

ماه، آب، زن و زایش و گاو

ماه:

پیش انگاره:

مردم ایران، از روزگار پیش از تاریخ تا پایان روزگار ایران باستان، ماه را به دیده نماد ایزدبانوی مادر، ایزدبانوی باروری، سین و بَغدخت اناهیتا تقدیس و ستایش می کردند.

یکی از کَششهای ماه برای انسانهای نخستین، دیگرگون شدن دیدار ماه بود که ایشان را به اندیشیدن درباره چون و چرایی درباره این اختر تابناک برمی انگیخت. ماه، زمانی پر زمانی کاسته می شد و در فرجام از دیده پنهان می گردید، چونان زندگی بشر که پس از زادن بزرگ و بالنده شده آنگاه در سرازیری کاستن افتاده و به فرجام با رسیدن مرگ از دیده ها ناپدید می گردد. اما در پس مرگ، رستاخیزی هست. چنین بود که چرخشهای ماه با سرنوشت انسان از آغاز همسان پنداشته شد. این بازگشت جاودانی ماه و این بسامد بی پایان، از ماه، اختری ساخت که به گونه ای اختر جنبش زندگی انگاشته شود.

از این روی شگفتآور نیست که از دید انسانهای نخستین، ماه؛ آفریننده آب، رستنیها و باروری باشد، الیاده، ۱۳۷۲: ۱۶۲.

سرشت هستی ماه سرشار از زندگی و توانایی و باز آفرینی ست، بدین روی، ماه یکی از پدیده های آسمانی بود که از کهنترین روزگاران در ایران و جهان پرستش می شد. بستگی ماه و باران و رستنیها نیز آشکار بود، جهان گیاهی نیز برداری از همان چرخشی بود که از ماه بِن می گرفت. در نوشته های ایران کهن آمده که گیاهان از گرمای ماه است که می رویند:

... "و در هنگامی که ماه روشنایی بتابد همیشه در بهار گیاه سبز از زمین بروید، من می ستایم ماه دربر دارنده نژاد ستوران را بغ.... تابنده، سودمند، سبزی رویاننده، آبادکننده، بَغ درمان دهنده را" (پورداوود، ۱۳۵۶: ۳۲۳).

نگاره ماه بر چهره آفریده های هنری:

در یافته های باستانشناسی در ایران، نگاره های بسیاری از ماه در روزگاران گونگون به دست آمده که نمایانگر ارج این پدیده کیهانی در باور مردم این سرزمین بوده است. ماه که شب تیره و تار را روشنی می بخشید همواره به به نام یکی از ایزدان، ستایش می شد. همانندی داسواره یا هلال ماه با شاخ گاو انگیزه ای بود که ماه را نگهبان ستوران و چارپایان و به ویژه گاو بیندارند و باروری جانوران را همانند بالندگی و بارآوری گیاهان، بُرداری

از هستی ماه بدانند. در کاوشهای شهادت، مهر استوانه‌های بسیار گیرایی با نگاره ایزد ماه، پشتیبان گیاهان و جانوران از هزاره سوم پیش از میلاد به دست آمده که نگاره ماه را به گونه ایزدبانویی در حالی نشان می‌دهد که از تن او خوشه‌هایی که شاید گندم باشد، روییده‌اند و در سوی دیگر مهر، این ایزدبانو به نام ایزد پشتیبان جانوران دیده می‌شود که جانورانی گونه‌گون در کنارش هستند، به گونه نیمرخ با شاخه‌هایی در بالای سر و هاله‌ای در بین دو نگاره به چشم می‌خورد.

ایلامیها، ایزد ماه را "سین" می‌نامیدند و همانند بابلیها آن را پرستش می‌کردند.

نماد سین، هلال ماه بود و شمار فراوانی مهرهای استوانه‌ای یافت شده در شو ش، پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم پیش از میلاد نگاره ایزد سین را که نزد آن مردم ارجمند بود می‌پرستیدندش به چهره هلال ماه در زمینه مهر یا بالای سر ایزد ایستاده و یا نشسته بر تخت نشان می‌دهد، بیانی، ۱۳۶۳ : ۸۲؛ تصویر ۲.

بدینگونه، پنداره باروری جانوران و باردهی گیاهان از هستی ماه انگیزه باور به ماه در جایگاه ایزدبانوی باروری شد که در بیشتر فرهنگهای پیش آریایی ایران به نام مادر سین و نانا* به چشم می‌خورد. در میان اقوام آریایی باشنده ایران که در هزاره دوم پیش از میلاد در پهنه فلات ایران پراکنده شدند پرستش ماه به نماد ایزد بانو اناهیتا نمایان شد. ایزدبانو اناهیتا؛ نماد آبهای پاک، فراوانی، باروری، افزونی، مهر، زناشویی، زایش و پیروزی ست.*
*ننه گونه دیگر آن هست.

گاو

پاس گاو در مازندران و جاهای دیگر:

-نام شمار بسیاری از روستاها به ویژه در منطقه بند پی بابل آمیزه‌ای از گاو است مانند گاوزن کلا، گاوان کلا، گاوان آهنگر، گاو دشت و....

-گاوها به ویژه گاوهای ماده و شیرده نامهای بسیار زیبا دارند که زنان روستائی بر آنها می‌گذارند مانند ماهرو، گلدیم (=گلرخ)، سل (=گونه‌ای رنگ قهوه‌ای موجدار)، گیلا.....

-برای فراخوان گاو و گوساله برای خوراک دادن و دوشیدن واژه‌های مهربانانه، و به واگویی، همچون (peser & mar mar & deter deter) به کار می‌برند.

-در واکنش به پاس سگ می‌شود بگویند کوفت، ولی در پاسخ گوو ونگ (goo vang)(گاو بانگ)، همیشه از ته دل می‌گویند جان...جان.....

-وطی خر و استر و حتی مادیان در روستاها پدیده ای ست شناخته شده ولی گاو را (مادر) می دانند و اگر کسی چنین کند یارای بازگویی آن به دیگران را هم ندارد. گاو همچون مادر مقدس شمرده می شود.

از این روی از خوردن گوشت گاو پرهیز داشته و خودداری می کنند و اگر ناگزیر شوند که چنین کنند شرمسارانه رفتار می کنند.

همچنین است در میان بختیاریان، به ویژه طایفه «آرپناهی» که چهره ای تازه به باوری کهن داده می گویند روزی یکی از برادران امام رضا به میان آرپناهیان آمد که گاوی کشته بودند، گاو را زنده کرد و ایشان را از کشتن گاو بازداشت، برای همیشه.

(در هندوستان هم گاو قداست مادر دارد، نگارنده خود در چند جای آن را به گوش خود شنید).

همچنانکه در کوهستان گیلان، اشکور، گاو ماده را «ماره» = مادر می خوانند و گستاخی بدو همچون گستاخی به زنان خانواده انگاشته می شود، ناموسی ست.

-گاونر برادر کشاورز است و با سربلندی می گویند ورزا برادر شانه به شانه من در کشتزار است (دشته کنارمه نه دوشه براره).

در گویش بختیاری گاو gawoo به معنی برادر به کار می رود و گمان آن هست که با واژه گاو = gaw پیوندی دارد.*

-در مازندران زبازد گاو مشمت حسن نداریم، ورزای علیجان بیگ داریم و منگوی جان جان خانوم (verza,mango,jan e jahan).



*این گمان از زنده یاد دکتر مهرداد بهار است.

تندیس گاو بومی گیلان و مازندران که به آن گاو جنگلی هم می گویند.

از املش و اکنون در موزه هنر لس آنجلس.

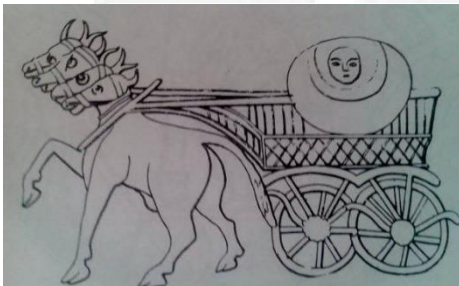
اسب و گاو / خورشید و ماه

ایزد ماه سوار بر گردونه ای ست که گاوها می کشندش، زیرا زن و ماه و آب و گاو در استوره ها و بینش ایرانی با هم پیوند دارند. ایزد خورشید بر گردونه ای روان است که اسبان آن را می کشند، زیرا در استوره های هند و ایرانی مرد و اسب از خورشید می آیند و به خورشید باز می گردند. از همین همواره در سوگ و خاکسپاری مردان بزرگ اسبانشان را هم می آوردند، چه در روزگار باستانی که اسبان را کشته با مرد بزرگ در گذشته در گور می نهادند، چه تا امروز که، برای نمونه در بختیاری، اسب را در سوگ به گونه ای نمادین می کشند.

در بینش استوره ای ایرانی دروغ بدترین پدیده هاست و مهر دروغین گاو سوار است!

همچنانکه امروزه همچنان بدترین کاری که با مردی در بختیاری می توان کرد بر گاو نشانندش است.

دوره ای هست که اسب و گاو / ماه و خورشید کنار هم می نشینند، بر تارک دیهیم شاهان ساسانی. هم ازین است که در همین روزگار زنان هم شاه می توانستند شد.



دو نگارهء گردونه ها را از برگهء آقای یدالله رضوانی. نگارهء دیهیمهای ساسانی را از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

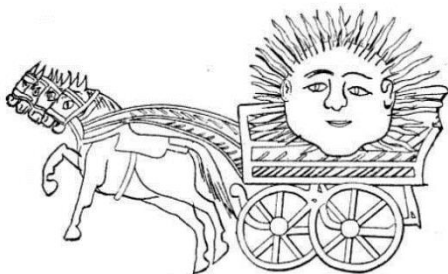
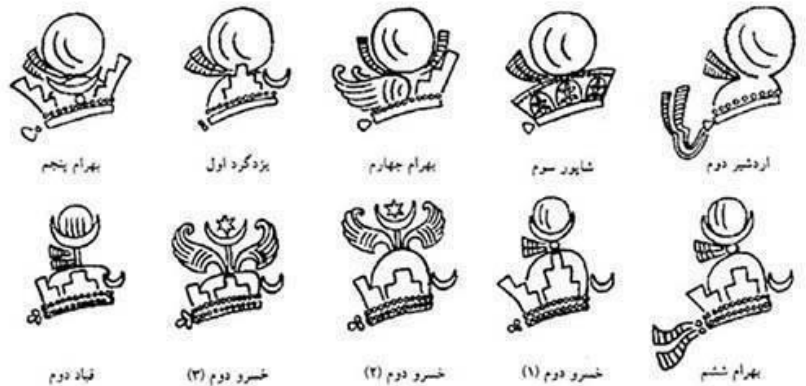
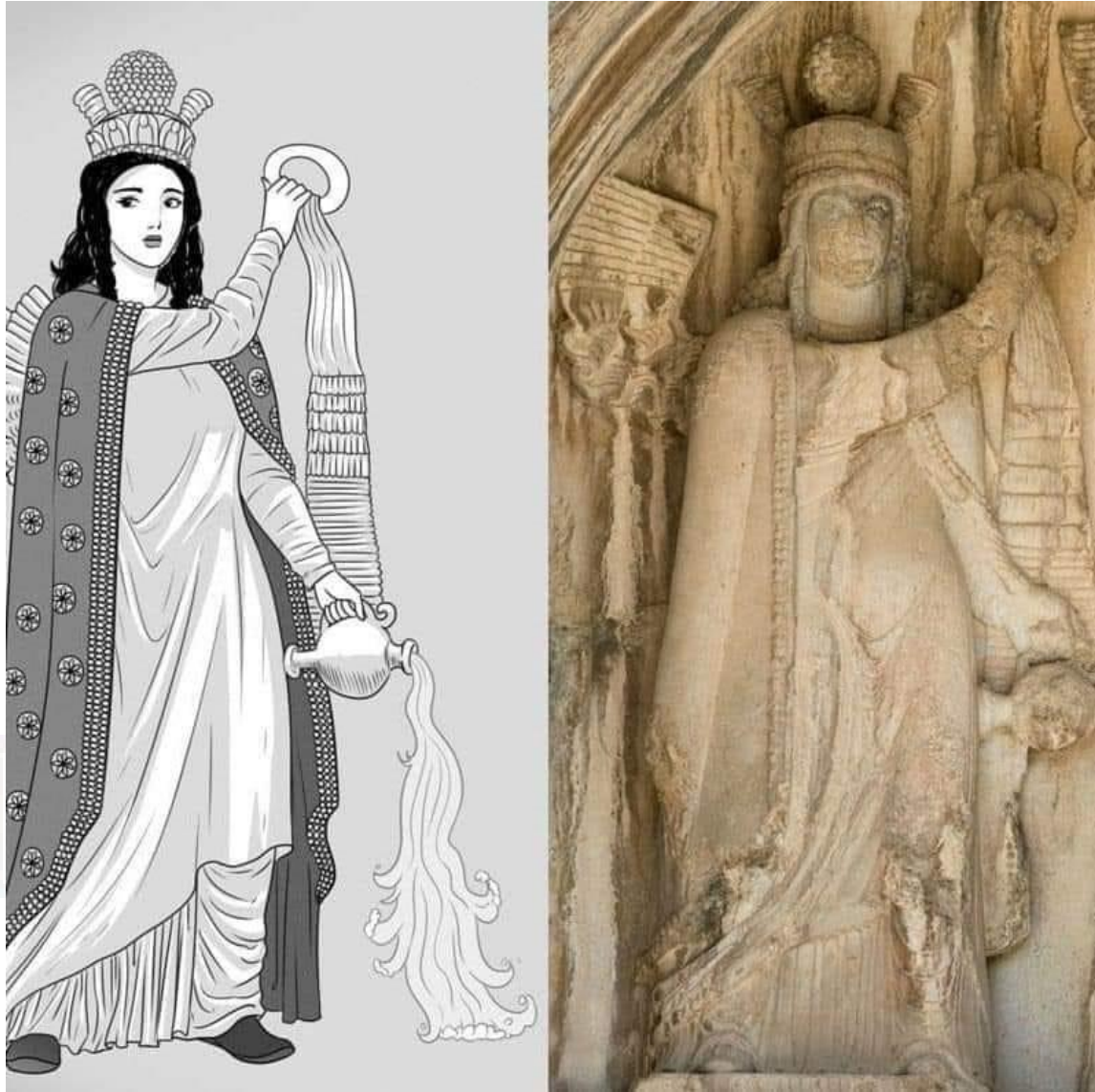


Fig. 73.—Persian Sun-God.



ایزد بانو آردوی آناهیتا، ایزد بانوی آبها (ی روان)، افزونی و بارآوری

پی نگاشتی بر: ماه، آب، زن و زایش و گاو



...آردوی سوره آناهیتا (همچنین به نام اردویسور آناهید، ناهید؛ اوست. "نمناک، توانا و بی آلیش"), ایزدبانوی آبهای روان، آب های پاک، باروری، درمان و خرد. طرحی بر پایه نقش برجسته طاق بستان از خسرو پرویز که آوان اردویسور آناهیتا در کنار خسرو پرویز (پیروز) تراشیده شده است.